



در آغوش انقلاب اسلامی
قانون غیراساسی | روح الله در نیجریه
نقش مردم در انقلاب ها / دکتر اسماعیلی

ارگان رسمی بسیج دانشجویی دانشگاه تهران

شماره ۱۶۸

ویژه نامه ۲۲ بهمن ۱۳۹۹



یادداشتی از فاطمه مزجی

مصاحبه با دکتر اسماعیلی با موضوع

قانون غیراساسی

نقش مردم در پیروزی انقلاب ها

در آغاز چهل و سومین سال از انقلاب اسلامی، شاید نگاهی گذرا و انتقادی به اصول قانون اساسی که بیانگر اهداف و میانی کلی نظام جمهوری اسلامی می باشد، برای سنجش آنچه محقق شده و آنچه باید به سمت آن حرکت کرد، مناسب باشد. در اینجا قصد داریم بند شانزدهم از اصل سه قانون اساسی را که سال هاست مغفول مانده، مورد بررسی قرار دهیم.

از آنجایی که جمهوری اسلامی مسیری غیر از مسیر بر ساخته غربی در پیش گرفته و ماهیتی ساختارشکن، نسبت به وضع موجود بین الملل برای جهانیان ارائه می دهد، صاحبان رسانه سعی دارند تا تصویری سیاه از چهره جمهوری اسلامی برای جهانیان مجسم سازند تا مبادا حرکت انقلاب اسلامی در جهت خلاف رودخانه جهانی، موجی علیه رودخانه نشوراند. در این راستا غالباً سعی بر آن است تا مفهوم دموکراسی و جمهوریت نظام اسلامی تیره شود. گویی که مردم هیچ نقشی در پیروزی انقلاب نداشته اند.

صفحه ۳

صفحه ۴

دلنوشته هایی خطاب به انقلاب اسلامی

یادداشتی از زهره صادقی

در آغوش انقلاب اسلامی

روح الله در نیجریه

انقلاب اسلامی از همان ابتدای پیروزی، بر گرنای استکبارستیزی و عدالت خواهی دمیده و آغوش خود را برای مسلمانان و غیرمسلمانان جهان که سودای خروج از ظلمت ظالمان را همواره در سر داشته اند، گشوده است. در این بخش، میزبان چشمانی از سراسر جهان شده ایم که به ایران دوخته شده است؛ دلنوشته هایی از مردم آمریکا، روسیه، ونزوئلا و کشمیر.

در این نوشتار در پی شرح ماجرای شیخ زکزاکی و حرکت نیجریه نیستیم؛ چرا که در این باب هر چند کم، اما سخن گفته شده است. آنچه اکنون بدان می پردازیم و نیاز به تأمل بیشتری دارد، این است که چرا ارتش نیجریه به عنوان کشوری که یکی از کانون های جمعیتی مسلمانان است، در صدد انسداد نهضت اصیل اسلامی می باشد؟

صفحه ۷

صفحه ۱۲



قانون غیر اساسی

بررسی بند مهجورمانده اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی

یادداشت | فاطمه مزجی | کارشناسی حقوق

شهادت حاج قاسم سلیمانی با اعلام رسمی دولت آمریکا مورد ترور قرار گرفت و به شهادت رسید، علاوه برآنکه طی یکسال اخیر، اقدام موثری در راستای محکومیت و مجازات مرتکبان صورت نگرفت، اشتباهات غیرقابل باوری نیز صورت گرفت که ما را به این نتیجه رساند که در حرکت به سمت اهداف قانون اساسی در بند ۱۶، باید بسیار تلاش کرد. مثلاً قوه قضائیه بعد از شهادت سردار اعلام کرد که ایران در دیوان کیفری بین‌المللی طرح دعوی می‌کند، در صورتی که روشن است دیوان کیفری مطابق با قواعد تعیین صلاحیت، اساساً صلاحیت رسیدگی به این دعوی را ندارد؛ چراکه جنایت علیه اتباع دولت عضو آن یا در قلمرو سرزمینی دولت عضو صورت نگرفته است. اشتباه در چنین سطحی قطعاً مبین این واقعیت است که سیاست خارجی ما تنظیم شده نیست. هرچند در این زمینه و موارد مشابه، ظرفیت‌های قانونی برای رسیدگی وجود دارد و برخی از قوانین عادی مانند ماده ۸ قانون مجازات اسلامی که به صلاحیت شخصی، مبتنی بر تابعیت مَجَنّی‌علیه اشاره می‌کند، حمایت کننده بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی قلمداد می‌شوند. با این وجود، در بسیاری از زمینه‌ها حتی با وجود تکلیف بین‌المللی کشور برای فراهم نمودن برخی ساز و کارها، خلأ قانونی برای حمایت از مستضعفان به صورت جدی محسوس است. مثلاً در زمینه جنایات جنگی یا نسل‌کشی، سال‌هاست قوه مقننه اقدام قابل توجهی نکرده است و تمام موارد به واکنش‌های سیاسی زودگذر تقلیل داده شده است. در حمایت از کشورهای مسلمان و مورد ظلم واقع شده اعم از یمن، میانمار، کشمیر، افغانستان، فلسطین، عراق و... که بارها امکان اقداماتی در راستای عمل به وظیفه قانونی بند ۱۶ اصل ۳ وجود داشته است، آن هم بدون آنکه هزینه قابل توجهی برای دولت داشته باشد، اما شاهد تغافل نسبت به هم‌نوعان و هم‌کیشان خود بوده‌ایم. به نظر می‌رسد برای نیل به اهداف قانونی و متعالی ذکر شده در اصل سوم قانون اساسی، باید بسیار مطالبه‌گری و جهاد علمی و عملی کرد تا جمهوری اسلامی بتواند سیاست خارجی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که علاوه بر حمایت از منافع ملی خود به وظایف شرعی و قانونی خود در برابر خواهران و برادران مسلمانان در سراسر جهان نیز عمل کند؛ همان طور که رهبر معظم انقلاب، در ششمین توصیه‌ی خود برای گام دوم انقلاب اسلامی، به عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن که شاخه‌های اصلی عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی هستند، اشاره می‌کنند و الگوی مقاومت اسلامی را برای شکست سلطه آمریکا و صهیونیسم با حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و بازتاب جهانی آن تعریف می‌کنند.

در آغاز چهل و سومین سال از انقلاب اسلامی شاید نگاهی گذرا و انتقادی به اصول قانون اساسی، خصوصاً چند اصل اول که بیانگر اهداف و مبانی کلی نظام جمهوری اسلامی هستند برای سنجش آنچه محقق شده و آنچه باید به سمت آن حرکت کرد، مناسب باشد. بطور ویژه، اصل سوم قانون اساسی دولت را که اعم از قوه مجریه، قضائیه و مقننه می‌شود، موظف به استفاده از تمام امکانات خود برای دستیابی به موارد شانزده‌گانه این اصل کرده است. در رابطه با اکثر این بندها پژوهش‌هایی صورت گرفته و در محافل مختلف محل بحث بوده است اما در رابطه با برخی از بندها و بطور خاص، بند شانزدهم که موضوع بحث ماست، کمتر اطلاعاتی در دسترس است و این بند کمتر از سایر بندها مورد توجه قرار گرفته است.

طبق بند ۱۶ اصل ۳ قانون اساسی دولت موظف است تمام امکانات خود را برای تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان بکار ببندد. شاید این بند در نگاه اول روشن و بدیهی به نظر برسد یا حتی مصادیقی از عمل به آن در ذهن نقش ببندد اما اگر مانند سایر بندهای این اصل کمی بیشتر به آن دقت کنیم، فاصله قابل توجهی را میان آنچه در حال حاضر انجام می‌شود، با آنچه تکلیف قانونی دولت است متوجه می‌شویم. طبق معهود تحقیقاتی که در رابطه با این بند در دسترس عموم است، سیاست خارجی «خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند» تعریف شده است و مصادیقی برای آن از جمله نفی سلطه و عزت‌مداری، حمایت از مستضعفان و مظلومان، تشکیل امت واحد اسلامی و... آورده شده است. راجع به هر کدام از این موارد و استنادات مربوط به آنها می‌توان بسیار خواند و تأمل کرد اما آن بعدی که قصد داریم بطور خاص به آن بپردازیم وظیفه دولت برای توانمندسازی خود در راستای جنگ حقوقی می‌باشد؛ چراکه امروزه در تمام مواردی که پای مستضعفین در عرصه جهانی مطرح هست، یکی از ابزارهای مهم مبارزه، سلاح حقوقی است؛ منتها دولت - به معنای اعم کلمه - که وظیفه به‌کاربردن تمام امکانات خود را برای نیل به موارد ذکر شده در اصل ۳ بند ۱۶ دارد، در این زمینه غالباً یا منفعل بوده‌است یا عملکرد او نقایص بسیاری داشته و از ظرفیت‌های خود برای رسیدن به این مقصود استفاده نکرده است و در عرصه علمی و عملی دچار ضعف است. برای اثبات این ادعا می‌توان مثال‌های متعددی را ذکر کرد، منتها در این یادداشت به طور موردی به یکی از آنها اشاره می‌کنیم. زمانی که

مصاحبه با دکتر محمد مهدی اسماعیلی با موضوع:

نقش مردم در پیروزی انقلاب ها

مصاحبه | مهراهم همراهی | کارشناسی علوم سیاسی

از آنجایی که جمهوری اسلامی مسیری غیر از مسیر برساخته غربی را پیش گرفته و ماهیتی ساختارشکن، نسبت به وضع موجود بین الملل برای جهانیان ارائه می‌دهد، صاحبان رسانه سعی دارند تا تصویری سیاه از چهره جمهوری اسلامی برای جهانیان مجسم سازند تا مبادا حرکت انقلاب اسلامی در جهت خلاف رودخانه جهانی، موجی علیه رودخانه نشوراند. در این راستا غالباً سعی بر آن است تا مفهوم دموکراسی و جمهوریت نظام اسلامی تیره شود. گویی که مردم هیچ نقشی در پیروزی انقلاب نداشته‌اند. سیمای ملی نیز با توجه به مدیریت ناکارآمد و همچنین فهم ناقص از رسانه، چندان در تبیین آرمان ها و حتی تاریخ انقلاب اسلامی موفق نبوده است.

آیا مصادیق تاریخی برای اثبات این ادعا وجود دارد؟

از مظاهری که میتوان برای اثبات نقش حاکمیتی مردم در انقلاب اسلامی به آن ارجاع داد، راهپیمایی تاسوعا و عاشورای تهران است که یک اجتماع بی نظیر چند میلیونی در ۱۹ و ۲۰ آذر ۵۷ را روایت میکند و تاریخ، چنین تجمعی را حداقل در کشورهایی که انقلاب رخ داده، تجربه نکرده بود. مظهر دیگر مردمی بودن انقلاب، استقبال عجیب و بی نظیر از امام خمینی در بازگشت به ایران است. این اتفاق به اندازه ای مستند و مهم است که پژوهشگران خارجی و حتی معاندان نظام، جرئت ارائه روایتی غیر از آن را ندارند. بسیار میشود که در مباحث تاریخی، روایت های متفاوتی درباره یک موضوع واحد ارائه میشود، اما در رابطه با عنصر مردمی بودن انقلاب اسلامی، حتی خانواده پهلوی نیز اذعان به حضور مردم در صحنه دارند. البته ممکن است تحلیل کنند که مردم به اشتباه حضور داشته‌اند و پشیمان هستند و امثال آن، اما به هیچ وجه وجود مردم را نمیتوانند منکر شوند. این امتیازی است که ما با افتخار آن را بیان میکنیم.

به نظر شما مردم در پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت آن چه سهمی داشته‌اند و تا چه اندازه قابل مقایسه با سایر انقلاب های بزرگ می‌باشد؟

اساساً مقایسه نقش حاکمیتی مردم در انقلاب ایران با سایر انقلاب ها، غیر ممکن است. انقلاب اسلامی ایران، در شکل گیری و تاسیس خود، متکی بر آراء بی نظیر و حضور بالای مردم بوده است. انقلاب اسلامی به واسطه حضور مردم، واجد مولفه ای شده است که امکان مقایسه آن را با هیچ انقلاب دیگری ممکن نمی‌سازد. انقلاب ایران تنها انقلابی است که همه اقشار در آن درگیر بوده‌اند؛ همه طبقات در آن درگیر بوده‌اند. ممکن است که در یک تقسیم بندی دقیق و ظریف، بخشی از طبقات نقش کم رنگی ایفا کرده باشند، اما زمانی که معدل عمومی را در نظر میگیریم، میبینیم که انقلاب اسلامی، به همان نسبتی که در مرکز تهران، در محدوده اصلی و روشن فکری آن و بدنه نخبگانی جامعه رسوخ کرده بود، در روستا های دور دست و مناطقی که دسترسی مردم به رسانه ها بسیار محدود بود، نیز به همان اندازه و بلکه بیشتر، رسوخ کرده بود.



به لحاظ تحول مفاهیم در آنجا شکل گرفت اما عنصر مردم در آن نقشی نداشته اند؛ مردم به معنای همه بخش های جامعه.

در تعیین نظام سیاسی و تدوین قوانین اساسی، مردم چه نقشی ایفا می کردند؟

از دیگر تحولات در ایران بعد از انقلاب اسلامی، تفویض اختیار انتخاب نوع نظام سیاسی به مردم است. در هیچ یک از انقلاب های مذکور، این تجربه وجود نداشته است. گاه میگویند از آنجایی که شئون دیگر حکومت مطرح نشده است، مردم گزینه دیگری برای رای دادن نداشتند. اما چطور میشود که مردم، رای نه به جمهوری اسلامی داده باشند، در حالی که بیش از ۹۸ درصد واجدین شرایط، به جمهوری اسلامی رای آری داده اند! تحول مهم بعدی، در رابطه با تدوین قانون اساسی است. در اکثریت قریب

آیا مشابه چنین اتفاقاتی که نقش مردم را به نمایش بگذارد، در انقلاب های مانند انقلاب فرانسه، روسیه و یا الجزایر رخ نداد؟

شما الجزایر را نگاه کنید. در الجزایر انقلاب مطرح نبود. در آنجا حرکت استقلال طلبانه بزرگ رخ داد. در طبقه بندی پژوهشی، مسئله الجزایر، انقلاب تلقی نمیشود. این در حالی است که این حرکت استقلال طلبانه، حدود یک و نیم میلیون شهید هم داده است. در مسئله روسیه نیز اساسا مردم مطرح نبودند. با حرکت شبهه کودتایی بلشویکها و منشویکها، ارتش سرخ با ارتش سفید وارد منازعه شد و با همراهی بخشی از کارگران، یکسری اتفاقات دیگر در کنار هم قرار گرفتند و دولت کمونیستی در آن مستقر شد. در فرانسه نیز یک اعتراض طبقه ضعیف بود اما با این حال، مسئله ای همگانی نبود؛ هرچند با عنوان انقلاب برای آزادی خوانده میشود اما شما به نقش مردم در این انقلاب نگاه کنید. در اینجا یک جابه جایی قدرت بین حاکمان صورت گرفته است. درست است که اسناد جدیدی



اصرار داشتند که آن پیش نویس تصویب شده و تبدیل به قانون اساسی جمهوری اسلامی گردد. اما امام قاطعانه در برابر این تصمیم ایستاد و نقش مردم در تدوین قانون اساسی را ارجح دانست. بدین ترتیب، امام دستور انتشار پیش نویس قانون اساسی را دادند و گفتند که هر کسی هر نقدی نسبت به آن دارد، اعلام کند. بسیاری از مردم و گروه های مختلف و حتی امثال شهید صدر، بیش از دویست اصل را اصلاح، باز نویسی، حذف یا اضافه کردند و آن را نقد کردند. در نهایت، در مجلس خبرگان با توجه به گرایش های مردم، که از رای آنها به نمایندگان قابل تشخیص بود، قانونی طراحی شد و بعد از همه پرسی، به تصویب رسید. انقلاب اسلامی سال اول خود را تمام نکرده بود که همه ارکان نظام، بر اساس این قانون اساسی انتخاب شدند و سیستم و ساختار سیاسی حاکمیت پیدا کرد.

نقش مردم در روند قانون گذاری انقلاب های فرانسه، روسیه و الجزایر به چه شکل بوده است؟

امروز در جمهوری پنجم فرانسه هستیم. اگر همان اوایل پیروزی را نگاه کنیم، میبینیم که تقریبا هر سه سال یک بار قدرت عوض شده و بعد از حدود پانزده سال از انقلاب فرانسه، دیکتاتوری ناپلئون بناپارت ظهور پیدا کرده است. روسیه نیز، در تمام طول دوره حاکمیت کمونیست ها یک نوع

به اتفاق انقلاب ها، قانون اساسی توسط رهبران انقلاب تدوین میشود و در نهایت، به رفراندوم گذاشته میشود. این درحالی است که در انقلاب ایران اتفاق متفاوتی رخ داد. در اینجا، منتخبین مردم، بدون هیچ اعمال سلیقه ای و با هر نوع تفکری مانند توده ای ها، سازمان مجاهدین خلق، گروه های چپ، راست و هر نوع تفکر دیگری، همه با هم مشارکت کردند و در یک انتخابات سراسری، به صورت حوزه های انتخاباتی استانی، در استان های مختلف نفرات خود را انتخاب کردند. در نهایت، ۵۷ نفر از نمایندگان منتخب مردم، اولین دوره مجلس خبرگان قانون اساسی را تشکیل دادند. این افراد، قانون اساسی را تدوین کردند و این قانون نیز، علاوه بر آنکه یک بار به صورت غیرمستقیم و از طریق نماینده منتخب مردم، تدوین و تصویب شده بود، به همه پرسی گذاشته شد و این بار، مردم به صورت مستقیم رای خود را نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام داشتند.

بنابراین، انقلابیون متن آماده ای از قبل از انقلاب به عنوان قانون اساسی تدوین نکرده بودند؟

پیش نویس قانون اساسی، از همان زمان حضور امام در نوفل لوشاتو تدوین شده بود و بسیاری از آقایان نهضت آزادی و حتی آقای هاشمی رفسنجانی

همراهی نداشت، بعد از جنگ ایران و عراق، روابط خود را با دولت عراق ارتقا داد و با ایجاد سفارتخانه در عراق، روابط رسمی ایجاد شد. آمریکا تقریباً از سال سوم چهارم جنگ، کاملاً به نفع عراق وارد جنگ شد. حتی در سال ۶۷ رسماً با ایران در خلیج فارس و در قضیه بازپس‌گیری فاو توسط دشمن بعثی، کاملاً همکاری داشت. ما با مشاهده مصادیقی مانند حمله به محل‌های استخراج نفت ایران، منفجر کردن هواپیمای مسافربری ایرانی در خلیج فارس، و در طول همه این سالها، جنگ اقتصادی علیه ایران، متوجه خواهیم شد که از بعد از جنگ دوم جهانی که نظام جدید بین‌المللی ترسیم شده است، ما شاهد چنین تحریم‌های ویران‌کننده‌ای و دشمنی‌های همه‌جانبه‌ای نبوده‌ایم. در مقابل، شما نگاه کنید که انقلاب روسیه، شاید در روزهای اول، انگلیس و کشورهای اروپایی به دنبال سقوط و ناکامی انقلاب روسیه بوده‌اند، اما بعد ها به واسطه فضایی که ایجاد شد و روسیه به دلیل وسعت سرزمینی و تضاد منافعی که با نازی‌ها پیدا کردند، به متحد اینها در جنگ دوم تبدیل شدند و بر اثر ویرانی‌ها و اتفاقاتی که در اروپا و مناطق دیگر رخ داد و قدرت ایدئولوژیک کمونیستی که پیدا کرده بود، در واقع یک دوره طولانی بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک ابر قدرت در کنار آمریکا به اداره دنیا پرداختند. در فرانسه نیز شما می‌بینید اساساً چیزی به عنوان تهدید بیرونی وجود ندارد. چرا که در انقلاب معضل اصلی، جنگ خودی‌ها با خودی‌ها بود و هر بار یکی از گروه‌ها بر دیگری حاکم می‌شدند. مسئله الجزایر نیز به همین ترتیب. در الجزایر بعد از پیروزی غرور آفرینی که مردم مسلمان الجزایر به دست آوردند، کشور یک شرایط کاملاً خنثی‌ای را در سیاست خارجه در پیش گرفت؛ بنابراین، مورد تعرض هیچ یک از قدرت‌های جهانی قرار نگرفته بود.

عظمت انقلاب اسلامی در ماندگاری، چیزی شبیه به معجزه است؛ علی‌رغم همه این توطئه‌ها و تلاش‌هایی که اتفاق افتاده و زخم‌هایی که بر پیکر جمهوری اسلامی نقش بسته، به دلیل حضور عنصر مردمی و عنصر ایمان، انقلاب اسلامی همچنان پا بر جاست.

استبداد سیاه و تاریک استالینی تجربه کرده است. چندین میلیون نفر در اردوگاه‌های کار سیبری جان خود را از دست دادند و مردم جرئت اعتراض به خود نمی‌دادند. در فرانسه نیز که مسئله گیوتین شهرت یافت و گردن زدن مخالفین، معمول شد. به نحوی که گیوتین ثابت بود و مخالفین جا به جا می‌شدند. با توجه به همین اتفاقات فرانسه بود که جمله «انقلاب فرزندان خود را می‌بلعد» بر زبان‌ها افتاد. در الجزایر نیز به همین شکل. در طول مدت بعد از استقلال (اواسط قرن بیستم)، دولت‌های وابسته یا حکومت‌های شبه دیکتاتور حکمرانی کرده‌اند. تا جایی که حتی زمانی که انتخابات به صورت مردمی انجام گرفت و جبهه نجات اسلامی پیروز انتخابات گردید، انتخابات را باطل کردند، کودتا کردند و افرادی مانند عباس مدنی که پیروز انتخابات بودند را زندانی کردند.

در هنگام بروز هر یک از انقلاب‌های ایران، روسیه، فرانسه و الجزایر، و همچنین در بعد از پیروزی انقلاب‌ها، سیاست قدرت‌های جهانی نسبت به انقلاب چه بوده است؟

بعد از استقرار جمهوری اسلامی و در یک بررسی چهل و دو ساله، ما می‌بینیم که روزی نبوده که جمهوری اسلامی، فارغ از توطئه‌ها و کارشکنی‌های دشمنان و قدرت‌های خارجی باشد. جمهوری اسلامی در سال اول پیروزی تا آستانه جنگ تحمیلی، همه نوع توطئه‌ها را تجربه کرد. برای مثال، توطئه تجزیه طلبی که بخش‌های مختلف کشور را با حمایت قدرت‌های خارجی به ویژه دولت‌های آمریکا و شوروی فعال می‌کردند. همچنین، برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، حامیان منطقه‌ای نیز داشتند. مسئله تحریم نیز مطرح بود. کودتا را شاهد بودیم. اقدام نظامی را در طبرس شاهد بودیم. بعد از این مسائل، می‌رسیم به جنگ تحمیلی هشت ساله. که در این جنگ هشت ساله، ایران از هجده کشور، فقط اسیر نظامی داشت. تمامی قدرت‌های بزرگ آن روز، به مانند شوروی اساساً از هم‌پیمانان اصلی رژیم عراق تلقی می‌شدند. عراق، تمام سیستم نظامی‌اش وابسته به شوروی بود. آمریکا نیز که با رژیم بعثی سازش و

۶





دلنوشته هایی خطاب به انقلاب اسلامی ؛ در آغوش انقلاب اسلامی

V

سپیدار شماره ۱۶۸

برای مقاومت علیه امپراتوری خواهد شد. من مضرات متهم شدن به «مزدور رژیم» را به جان خریده ام، و معتقدم که یک بازطراحی واقعی از چهره جمهوری اسلامی و مردم آن، مدتهاست که به تأخیر افتاده است. انقلاب اسلامی در ۴۲ سالگی، به ویژه جوانان آن، امروزه نه تنها امتناع از استیلای امپراتوری را نمایندگی می کنند، بلکه برای چشم اندازی بهتر برای ملت خود متعهد هستند.

سازگاری اسلام و ایران

زمانی که صحبت از ایران اسلامی میشود، شعارهای ناکارآمدی و شکست سر میدهند و مورد تمسخر قرار می دهند، و این در حالی است که بسیاری از آنها پشت الفاظ «تخصصی» استعار کرده اند. برای مثال، مجری برنامه بی بی سی فارسی را در نظر بگیرید که در توضیحاتش به همکار بریتانیایی خود در مورد واکنش ایران به همه گیری، با تمسخر و خنده اظهار داشت: «بسیاری از این سیاستمداران ایرانی و مردم ایران، چنان مذهبی هستند که معتقدند که مرگ در دست خدا است... بنابراین، آنها همه این اقدامات علمی برای مهار ویروس را رد میکنند». با این حال، این روایتها که جوامع مسلمان را با مدرنیته و علم ناسازگار می دانند، فاقد اصالت هستند. در حقیقت، روایاتی که ایران اسلامی را در بسته ای از عقب ماندگی ارائه می دهند، از سال ۱۳۵۷ و قبل از آن وجود داشته است که توسط روشنفکران ایرانی در اواخر قرن نوزدهم و پس از مواجهه دردناک ایران با غرب نظامی، ساخته شده است تا مانند روایت «از دست دادن ویتنام توسط آمریکا»، از دست دادن ایران به دست ایرانیان منجر به اضطراب ایرانیان گردد. بنابراین، برای برخی در ایران، تصور عقب افتاده بودن نسبت به امپراتوری و احساس نیاز به سبقت در پذیرش استانداردهای مدرن، اضطرابی ایجاد کرده است که علت ظهور گفتمان هایی مانند آریاگرایی، نفولیرالیسم (علی رغم بی اعتبار شدن آن در سراسر جهان)، و حتی نسخه ای تعجب برانگیز از «ایران اول گرایی» شده است، که به دولت حاکم اقلیت آمریکا، اروپا و اسرائیل به عنوان یک الگو می نگرد. این در حالی است که این تصور، به بهای از دست رفتن روابط متقابل منطقه ای، همبستگی و

۱. قلبی که از آمریکا می تپد.

یادداشت | مارز پرادو | دکتری مسائل ایران



دنبال کردن

marzmpрад
@marzmpрад

تاریخ پیوستن: فوریه ۲۰۲۰

ذهنیت استثماری و انقلاب ۴۲ ساله

مطابق تربیت لیبرالیستی غربی، برای بسیاری از ما غربی ها، پذیرش کم ارزش تلقی کردن ملت های جهانی - جنوبی و اکثریت ملت های مسلمان، به واسطه مستاجر سابق کاخ سفید (ترامپ) آسانتر است. اما با اندک نگاهی عمیق، می توان دریافت که این نگرش از پیش از او نیز وجود داشته است. ترامپ، صرفاً پوششی است بر ابتذال امپراتوری که از دیرباز در رویارویی با ملت های جهانی - جنوبی، به ویژه آنها که در برابر امپراتوری مقاومت می کنند، سعی در از بین بردن آنها داشته است. تجربیات من به عنوان یک دانشجوی مهمان در جمهوری اسلامی ایران به من این اجازه را میدهد که آثار نگرش امپراتوری را ببینم. این نگرش «گفتمان قابل قبول» را باز طراحی می کند، و حتی اینکه چگونه افراد بومی این منطقه باید وقایع زندگی خود را تفسیر کنند. این نگرش را از مدیر کل سازمان بهداشت جهانی که آن را «مستی حاصل از یک ذهنیت استعمارگر» می نامد و میراث گذشته است، به عاریه گرفته ام؛ بر اساس این نگرش، ملت های جهانی - جنوبی و حتی قدرت های منطقه ای مانند جمهوری اسلامی، ناکارآمد و شکننده نمایش داده می شوند و مداخله امپراتوری را برای بیننده توجیه می کنند، در حالی که حتی حق حاکمیت ملت را هم به سخره می گیرند. مهمتر آن که پذیرش این نگرش باعث تضعیف همبستگی و اتحاد و تلاش

اسلامی را می‌توان محصول مفهوم بسیج و مسئله خودکفایی دانست. این طرز تفکر، یادآور «دکترین کشف» است که در روایت‌های اروپا-آمریکا محور، در مورد طبیعت و جهان رایج است. برای مثال، ترور قاسم سلیمانی را در نظر بگیرید؛ آمریکا این ترور را فرصتی برای وحدت ایران دانست و آن را طناب نجاتی از طرف آمریکا برای جمهوری اسلامی قرائت کرد. مطابق این طرز تفکر، هیچ چیز بدون «علت اول» (غربی‌ها) اتفاق نمی‌افتد و به عبارتی، تنها راه نجات، راهی است که غرب در مقابل شما قرار می‌دهد. این طرز تفکر در خوشبینانه‌ترین حالت، برای افراد آشنا با تاریخ، خنده‌آور است. انقلاب اسلامی، خواستار خودکفایی بخشی از گفتمان جمعی و وحدت‌بخش بوده است. پس از آن، توزیع و دسترسی باید بخشی از این گفتمان باشد. تا قبل از انقلاب اسلامی، سیاست اقتصادی را با توسعه مصنوعی بدون سرمایه‌گذاری‌های تولیدی در زیربنا و بهره‌برداری علیه طبقه کارگر شده بود. وابستگی به واردات، اقتصاد ایران را زیرمجموعه‌ای از سرمایه‌داری غربی قرار داده بود، و با فروش نفت، شاه منابع طبیعی کشور را به نفع بورژوازی تازه متولد شده آن زمان، غارت می‌کرد. با ظهور انقلاب اسلامی، این گفتمان که یک کشور جهان-جنوب، می‌خواهد نفوذ قدرت‌های بزرگ را سرکوب کند، از اولویت بیشتری برخوردار شد. این عقیده، در برخی مواقع به طور منعطف، ضمن حفظ استقلال و عمل‌گرایی، در سیاست خارجی و اقتصادی جمهوری اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است. آرمان‌های انقلاب اسلامی، علاوه بر نگرانی از عوامل مادی، عوامل روان‌شناختی را نیز در نظر گرفته است و به دنبال افزایش خودآگاهی جامعه برای نجات افراد است تا در واقع، این ایده خودکفایی و استقلال، که بخشی از آرمان جمهوری اسلامی است، تحقق پیدا کند. به طوری که این مهم را به اتفاق آراء، به عنوان طولانی‌ترین ماده خود در قانون اساسی جمهوری اسلامی درج کرده است: «تأمین مایحتاج اساسی برای همه شهروندان، مسکن، غذا، پوشاک، بهداشت و معالجه پزشکی، تحصیلات و امکانات لازم برای تأسیس خانواده ... تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی به منظور جلب رضایت مردم نیازها و کشور را به خودکفایی و فارغ از وابستگی تبدیل کنیم». به نظر می‌رسد همه همت و تلاش حاکمیت جمهوری اسلامی، همبستگی و بسیج مردمی بر تحقق این مهم بوده است و شهادی بر دعاوی نظری آن شده است.

حالی که اقدام ایران را به دلیل اصل عمل متقابل نمی‌توانند محکوم کنند. ثانیاً اسرائیل این حساب سرانگشتی را با خود خواهد داشت که اگر هزینه ترور، مثلاً حمله به یک پایگاه نظامی است، عکس‌العمل به صورت حمله مشابه به پایگاه‌های نظامی ایران، قطعاً مهیب‌تر خواهد بود و بدین ترتیب، بازدارندگی‌ای ایجاد خواهد شد که قطعاً در برابر انفعال به وقوع نمی‌پیوست.

دیپلماسی با کشورهای عضو جنبش عدم تعهد خواهد بود و گفتمان جنبش عدم تعهد نیز آن است که القای حس مثبت می‌کند و شرکت‌ها را به قیمت اشخاص و پیشرفت معنوی آنها، ثروتمندتر می‌سازد.

داوطلبی و زیربنای جمهوری

در حالی که آخرین رئیس‌جمهور آمریکا مشغول غارت خطوط تأمین جهانی، به عنوان تلاشی از روی استیصال برای سرپوش بر انفعال خود در برابر همه‌گیری، جمعیت کشورش را وحشت زده کرده بود، من سنگ بنای جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های رفاهی، بسیج کردن مردم و همبستگی، به ویژه از طریق جوانان مشاهده کردم. در سراسر کشور از اوایل ماه مارس، گروه‌های جهاد پزشکی و جهاد اجتماعی متشکل از فارغ التحصیلان پزشکی و دانشجویان، مشغول ضدعفونی کردن کل محله‌ها در حومه شهرها، حمل و نقل عمومی مانند اتوبوس و تاکسی و مترو و تهیه وسایل نقلیه ایستگاه‌های ضد عفونی برای عموم بودند. داوطلبان جوانان بسیجی برای هفته‌ها و ماه‌ها خانواده‌های خود را ترک کردند، بسیاری مریض شدند، و بسیاری دیگر برنگشتند. من این جریان را از یک پزشک شنیدم که می‌گفت: «این وظیفه من است و ادامه دادن این مسیر تا هنگام مهار این ویروس ضروری است». این نگرش من را بر آن داشته است تا مفهوم ناسازگاری دین و علم را زیر سوال ببرم.

با مشاهده چالش‌های اواسط دهه ۱۹۷۰، جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ با ابتکار عمل بهداشت اولیه را تأسیس کرده و از سال ۲۰۱۴ طرح تحول سلامت ایران به منظور گسترش بیشتر دسترسی به خدمات بهداشتی جهانی با کاهش هزینه‌های پزشکی اجرا شد. با نگاهی به دسترسی جامعه ایرانی به خدمات درمانی ارزان قیمت و حتی چندین پوشش بیمه در یک زمان، من را بیش از پیش از مفهوم «غیر منطقی بودن رژیم دینی» متعجب ساخت و از خصوصی سازی مراقبت‌های بهداشتی آمریکا، پشیمان شدم. شاید این جمله کفایت کند که با توصیف نادرست جمهوری اسلامی، توجه به بسیج و همبستگی از پایین، سیاست‌های حاکمیت و ادغام تأثیرات مذهبی و سنتی مردم نادیده گرفته می‌شود. در واقع، جوانان و بالاخص، گروه‌های جهادی، کاملاً بر سرنوشت ایران مسلط شده‌اند. طبق تجربیات من، به نظر می‌رسد پیش‌بینی‌ها و عواملی که برای فروپاشی ایران نظریه پردازی می‌شود، مانند عقب ماندگی اقتصادی، تفکیک و شکاف‌های سیاسی، نارضایتی اجتماعی و... توسط یک ایران اسلامی و پویا، زیرسوال رفته است.

اروپا-آمریکا محوری و موقعیت خودکفایی در ایران

اعتقاد من بر این است که اقدامات انجام شده علیه جمهوری



۲. چشمانی از ونزوئلا

یادداشت | مونیکا گالاردو | تازه مسلمان ونزوئلایی



دنیال کردن

MÓNICA GALLARDO

@JesusyMahdi2020

Nosotros Venceremos! DIOS,
BOLÍVAR, CHÁVEZ, SOLEIMANI, FIDEL, CHÉ junto
a los pueblos oprimidos. Radicalmente Chavista,
Anti imperialista y Anti sionista.

Rep. Bolivariana de Venezuela ☺

تاریخ پیوستن: مارس ۲۰۱۸

"اگرچه از نظر جسمی با فاصله از هم جدا شده‌ایم، اما قلبهایمان بسیار نزدیک."

دلیل این امر که بین ایران و ونزوئلا بیش از یک رابطه دو جانبه دیپلماتیک، یعنی روابط نزدیک دوستانه و برادرانه وجود دارد که به طور فزاینده‌ای تقویت هم می‌شود، این است که هر دو ملت به علت استقلال طلبی، دچار محاصره اقتصادی بی دلیل بی‌رحمانه و ظالمانه و تاریخی هستند؛ امپریالیسم آمریکایی، با برنامه نامیدانه خود تلاش می‌کند روحیه و عزت ما را از بین ببرد. آن امپراتوری که توسط حقیقت و آزادی مردم آزاده دنیا در آستانه خلع ید از امپراطوری سیاه خویش است؛ اما هنوز هم با نفاق و پوشش‌های عوام‌پسند خود سعی دارد تا چهره فاشیستی، مزدور، تروریست و نفولیرال خود را در برابر مردمی که در حال بیدار شدن هستند، پنهان و انکار کند.

ما با کسانی مواجه‌ایم که جرات می‌کنند دست به غارت منابع

طبیعی دیگر ملت‌ها زده و مردم را با شکنجه و کشتار، زیر سلطه و ستم خود قرار می‌دهند. اینها همان کسانی هستند که این جنایات شناسنامه آنها را تشکیل می‌دهد، اما باز ادعای آزادی‌خواهی‌شان گوش فلک را کر کرده‌است. کسانی که به بهانه آزادی مردم از تروریست‌ها و شورشیان افراطی و انتحاری، اقدام به این جنایات و غارت اموال ملت‌ها می‌کنند و با سلطه‌جویی و قلدرمآبی می‌گویند که ما بندگان برگزیده خدا، و در حال اشاعه دموکراسی هستیم. اما در واقع به اعتراف خودشان، خود آمریکایی‌ها هستند که گروه‌های تروریستی مانند داعش تکفیری را بوجود آوردند و تأمین مالی‌اش هم می‌کردند. تحسین و احترام بی‌نظیری که مردم ونزوئلا نسبت به مردم ایران دارند، به دلیل درک عمیق مردم ونزوئلا از انقلاب ضداستکباری، از اساس انسان‌دوستانه، عادلانه، شجاعانه، صبورانه و پر از ایمان مردم ایران است که از زمان فرمانده محبوب هوگو چاوز، رهبر ابدی انقلاب بولیواریا، درک کرده‌اند. در ونزوئلا، دوستی بزرگی که هوگو چاوز با رئیس‌جمهور پیشین ایران، محمود احمدی‌نژاد و آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، برقرار کرد زمینه عمق عاطفی این ارتباط را بیش از پیش فراهم نمود. چاوز در برخی از جلساتی که با هیئت ایرانی برگزار شد، خود را شیعه اعلام کرد که خالص‌ترین بیان انقلابی بودن است؛ صفت‌هایی که ما ونزوئلایی‌ها، سوسیالیست‌ها و اومانیست‌های واقعاً انقلابی، در آن با ایرانیان مشترک هستیم، شامل سخاوتمندی، فروتنی، حامی کمک متقابل، حامی تحکیم چند قطبی به عنوان آینده جهان برای نیل به بیشترین میزان سعادت و آزادی ممکن در حاکمیت کامل ملت‌ها، که همان حق عدالت اجتماعی است، می‌باشد.

رفتار دیپلماتیک کشورها مؤثر واقع می‌شود. باید در نظر داشت که در حاکمیت جمهوری اسلامی، نگاه‌های آرمان‌خواه، سبقه جدی و مؤثر دارند و می‌توان به نظریه مقاومت توأم با اقتدار نظامی و بین‌المللی (که به گونه‌ای حامی رویکرد اتخاذ عمل متناسب است) به عنوان الگویی که هر دو سویه رئالیستی و ایدئالیستی را تأمین می‌کند باور داشت. چرا که از طرفی، مقاومت از حیثیات ایدئالیستی نظام اسلامی و مبتنی بر پایه‌های معرفتی است و از سویی دیگر مبتنی بر نگاهی واقع‌گرایانه است که می‌تواند با تأمین امنیت داخلی، نقش مؤثری در توازن کنش‌های دیپلماتیک نیز داشته باشد.





علیه شیطان

یادداشت | دامیر نظروف | شهروند باشقیرستان روسیه

آخوندهای بی کفایت و ایضاً وهابیت قرار بگیرند، در این صورت جمعیت غیرمسلمان فدراسیون روسیه از تبلیغات صهیونیستی بهره خواهد برد. در روسیه، استعمارشدگان صهیونیستها در زمینه رسانه‌ای و تجاری صاحب نفوذ و قدرت هستند. با این وجود، همکاری روسیه با جمهوری اسلامی رونیدی مثبت داشته است. کرملین یکی از اولین‌هایی بود که نقش منطقه‌ای رو به رشد جمهوری اسلامی را تشخیص داد. این شناخت و ارتباط دیپلماتیک، باعث شناخته شدن ایران اسلامی در میان شهروندان روسی بی اطلاع از ماهیت انقلاب اسلامی شد.

شایان ذکر است که علاقه ویژه روس‌ها به ایران و انقلاب اسلامی، پس از اطلاع از شهادت فرمانده افسانه‌ای سپاه حاج قاسم سلیمانی ظاهر شد. مردم روسیه از اقدامات مشترک نیروهای مسلح فدراسیون روسیه و ایران در سوریه اطلاع داشتند و پس از خبر ترور ژنرال، یاد و خاطره این سرباز انقلاب اسلامی را با اهداء یادبودهایی گرمی داشتند.

روسیه مدرن، نگاه مثبتی به ادامه همکاری با جمهوری اسلامی و متحدانش دارد. شخصاً برایم واضح است که مخالفت مشترک ایران و روسیه و چین در برابر امپریالیسم غربی، محدود به سوریه نخواهد شد. امروز، ما می‌بینیم که چگونه این سه کشور در تلاش‌اند تا در افغانستان و یمن نیز، همکاری مثمر ثمر داشته باشند. من شخصاً مطمئن هستم که درگیری‌ها در آسیا، قفقاز و بالکان زمان‌بر است، زیرا شیطان بزرگ و صهیونیسم، نفوذ شدیدی در این مکان‌ها دارند. تجربه همکاری ایران و روسیه می‌تواند برای جلوگیری از خونریزی برای این کشورها و مردم منطقه مفید باشد.



علی طریق القدس
نبی الحاج بهاء أبو العطا

دنبال کردن

Дамир Назаров
@damirnazarov201

Journalist, publicist, freelancer, from Russia

تاریخ پیوستن: ژانویه ۲۰۱۳

انقلاب اسلامی ایران مایه افتخار همه آزادی‌خواهان جهان است. این نظر من به عنوان یک شهروند مسلمان عادی اهل روسیه است. رسیدن به جشن چهل و دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران، نماد موفقیت انقلاب اسلامی به رهبری افسانه‌ای امام خمینی (ره) می‌باشد. اگر پیش از این، تبریک به جمهوری اسلامی محدود به جغرافیای خاورمیانه بود، اکنون پیروان مکتب خمینی افسانه‌ای در همه قاره‌ها زندگی می‌کنند.

در مورد روسیه، تبریک از مسلمانان محلی به تهران در مقایسه با سایر کشورها با کمترین حد بیان می‌شود. بی‌سواد و آلوده شدن فضای مسلمانان اوراسیا به عقاید وهابی در این مسئله تأثیرگذار بوده است. با این وجود، فعالین شیعه محلی روسیه با حمایت کنسولگری ایران، همچنان در تلاش‌اند تا به مناسبت چهل و دومین سالگرد انقلاب اسلامی مراسمی را برگزار کنند. اگر مسلمانان روسیه در معرض پارازیت

پس از چهل سال

بر اساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی، ایران موفق به کسب رتبه دوم شاخص توسعه انرژی شده است. همچنین توانسته ایم رتبه پانزدهم تولید برق و رتبه شانزدهم تولید بنزین در جهان را به دست آوریم. در عرصه انرژی هسته‌ای نیز به رغم تمام فشارهای خارجی، ایران جزء ۱۳ کشور دارای چرخه کامل سوخت هسته‌ای و جزء ۱۴ کشوری است که توانایی غنی‌سازی اورانیوم را دارد.



کشمیر انقلابی

یادداشت | دانشجوی کشمیری | طبق گفته نگارنده، به دلیل محدودیت‌هایی که سفارت هند برای اتخاذ موضع سیاسی توسط افراد اعمال می‌کند، از معرفی نویسنده خودداری می‌شود.

در زمانه‌ای که کشورهای جهان، ذلت‌مندانه دنباله‌رو قدرت ابرقدرت‌های شرق و غرب بودند، امام خمینی و انقلاب اسلامی ایرانی او، نقشه جهان ظالم و ظلم‌پذیر را عوض کرد و صدای اسلام را بلند کرد. صدای فریاد انقلابی امام خمینی نه فقط در ایران، که شیشه سکوت ظلمانی مستکبرین در همه جای جهان را در هم شکست؛ اینگونه بود که انقلاب جوان خمینی کبیر، فکر مردم آزاده دنیا را تغییر داد و مثنی انقلابی جدیدی را اسوه آن‌ها ساخت.

من یک کشمیری هستم. کشمیر که منطقه‌ای بین هند، پاکستان و چین و از لحاظ سیاسی یکی از حساس‌ترین نقاط منطقه است، از این فریاد امام غافل نماند و به نوای آزادی‌بخش و انسان‌ساز امام لبیک گفت. پیش از انقلاب، مردم کشمیر، مقلد آیت‌الله خویی و آیت‌الله محسن‌الحکیم بودند؛ تا آنکه یکی از عالمان بزرگ کشمیر، که با فضایل و روحیات انقلابی امام آشنا شده بود، نام خمینی را به کشمیری‌ها معرفی کرد تا حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی کشمیری‌ها به امام بپیوندند. وقتی امام به فرانسه تبعید شد، مردم کشمیر عاشقانه از امام خمینی، برای حضور در کشمیر دعوت کردند که البته در آن برهه حساس زمانی، حضور امام ممکن و به مصلحت نبود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، همچون ایران، در کشمیر انقلابی نیز جشن برپا شد؛ شیعیان کشمیر که جمعیتشان ۱۵ درصد است، با انقلاب اسلامی و امام خمینی بیعتی عاطفی مقرر کردند که حتی پس از امام نیز هنوز

به آن میثاق پای‌بندند. آن‌ها پشتیبان ولایت‌اند و خود را سربازان امام خامنه‌ای می‌دانند. تاثیر انقلاب اسلامی و عشق مردم به این نهضت، در کوچه‌پس‌کوچه‌های کشمیر قابل مشاهده است. کوچه‌های همه محله‌های شیعه‌نشین کشمیر، با تابلوی عکس امام خمینی و امام خامنه‌ای شناخته می‌شوند. ممکن نیست که حتی یک خانه را پیدا کنید که عکس امام خمینی و رهبری نداشته باشد. بعید است مسجدی باشد که بعد از نماز برای جمهوری اسلامی و امام خامنه‌ای دعا گفته نشود. جوانان کشمیر عاشق شهدای جمهوری اسلامی هستند. این نتیجه ترجمه شدن کتاب‌های یاران ناب به زبان انگلیسی و زبان اردو است. کشمیری‌ها به شهدا عشق می‌ورزند. شهدای گمنام در کشمیر گمنام نمی‌مانند و در قلب جوانان شیعه کشمیر جایگاه ویژه‌ای دارند. پرچم جمهوری اسلامی ایران آنقدر برای کشمیریان مقدس است که در ماه محرم، این پرچم را کنار پرچم امام حسین به اهتزاز در می‌آورند. این امر نشان‌دهنده این اعتقاد است که در حال حاضر، تنها آنهایی که زیر پرچم جمهوری اسلامی و ولایت هستند، زیر پرچم امام حسین می‌مانند. اندیشه امام و رهبری با قلب جوانان کشمیری عجین شده است. عشق کشمیری‌ها به حدی است که بسیاری از جوانان سعی در یادگیری زبان فارسی برای شنیدن مستقیم سخنرانی‌های رهبری عزیز را دارند. علاوه بر این، شیعیان کشمیر در خانه‌هایشان، ماهواره ایرانی نصب می‌کنند تا همیشه حرم امام رضا و حضرت معصومه مقابل چشمانشان باشد. سخن بسیار است؛ اما برای درک معجزات انقلاب اسلامی در کشمیر باید در کشمیر قدم بزنید و به چشم ببینید.

پس از چهل سال

از نگاه GDP در سال ۲۰۲۰، ایران از نظر نظامی در میان ۱۳۸ کشور، رتبه ۱۴ را به خود اختصاص داده است که البته این آمار بدون در نظر گرفتن امکانات و تجهیزات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام شده است. هم چنین بارها افراد مختلف اقرار به اقتدار موشکی ایران داشته‌اند و بعضی ایران را بین پنج کشور اول از نظر دقت اصابت موشک بر شمرده‌اند. این در حالی است که بودجه نظامی ایران حدود نصف کشورهای با رتبه مشابه است.



روح الله در نیجریه

نقدی بر انفعال وزارت امور خارجه ایران در قبال روح زخم خورده آفریقا

یادداشت | زهره صادقی | کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

اینجاست که استانداردهای چندگانه‌ی حقوق بشری سربرمی‌آورند و مدعیان حقوق بشر که برای کوچکترین مسائل مرتبط با منافع خاص، به درست یا غلط آه و واویلا سر می‌دهند، در مورد جان، مال و آزادی هزاران مرد و زن و بی‌گناه که در چهارچوب قوانین ملی‌شان رفتار کرده‌اند و آماج حمله قرار گرفته‌اند، چنان ساکت می‌شوند که گویی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی هنوز تدوین نشده است!

شیخ زکراکی به عنوان رهبر جریانی مردمی و صلح‌طلب چندین سال است که به رغم اذعان برخی مقامات قضایی نیجریه به غیرقانونی بودن دستگیری‌اش، همراه با همسرش و با وجود وضعیت جسمانی بسیار نامساعد، به دور از امکانات مناسب پزشکی، در زندان به سر می‌برد ولی حتی صدای «ابراز نگرانی» نیز از مجامع و کشورهای همیشه مدعی حقوق بشر شنیده نشده است. این در حالی‌ست که همسر بزرگوار شیخ به تازگی به ویروس کرونا نیز مبتلا شده است، اما همچنان محدودیت‌های بهداشتی و درمانی دارد.

به تازگی گزارشگر شورای حقوق بشر سازمان ملل دیدگاه‌هایش در مورد مسئولیت دولت‌ها در زمینه امنیت جان افراد زندانی به ویژه در دوره بحران کرونا را از منظر حقوق بین‌الملل بشر ارائه کرده و مشخص نموده است که در صورت مرگ زندانی، در چه مواردی سلب حیات خودسرانه و غیرقانونی توسط دولت ذریب‌تلقی می‌شود. حال با توجه به عدم دسترسی شیخ و همسرش به خدمات بهداشتی و پزشکی مناسب، شرایط ایشان از مصادیق قطعی آن است و لزوم پیشگیری از وقوع هر گونه مسئله ناگواری را ضروری می‌نماید.

همه این‌ها در صورتی‌ست که نوع نگاه شیخ، مرز مذهب و حتی ادیان را درنور دیده و شیعه و سنی و مسیحی را در کنار هم و ذیل یک «ما»ی واحد

حسینیه بقیه الله زاربا؛ شاید نخستین توجهات به حرکت اسلامی نیجریه و آنچه با رهبری شیخ ابراهیم زکراکی در حال وقوع بود با شنیدن نام این حسینیه و به سبب فاجعه‌ای که در سال ۲۰۱۴ رخ داده بود آغاز شد؛ در جایی که ارتش به محل تجمع شیعیان و اعضای حرکت اسلامی حمله ور شده و با وجود آنکه اقدامی خارج از قوانین مرسوم کشور نیجریه رخ نداده بود، شمار زیادی از آنان را به شهادت رساند و در پی آن شیخ ابراهیم و همسرش زینت را به طرز وحشیانه‌ای دستگیر و زندانی کرد. حبسی به ناحق که تا امروز ادامه داشته‌است.

در این نوشتار در پی شرح ماجرا نیستیم چرا که در این باب هر چند کم، اما سخن گفته شده است. اما آنچه اکنون بدان می‌پردازیم و نیاز به تأمل بیشتری دارد این است که چرا ارتش نیجریه به عنوان کشوری که یکی از کانون‌های جمعیتی مسلمانان است، در صدد انسداد حرکت نهضتی اسلامی است؟

تاریخ حمله به حسینیه بقیه الله می‌تواند بخشی از پاسخ باشد؛ روز قدسی که شمار زیادی از اعضای نهضت اسلامی نیجریه و از جمله سه نفر از فرزندان شیخ ابراهیم زکراکی به شهادت رسیدند.

نهضت اسلامی شیخ زکراکی صرفاً به دنبال ترویج احکام نماز و روزه نیست و مطلوب آن اسلام در کلیت آن، آزادی، رهایی از یوغ استعمار، دفاع از مظلوم و عدالت نیز هست که حضور افراد با ادیان و مذاهب مختلف در میان اعضای این جنبش تحت رهبری شیخ، نشانگر اصول انسانی واحد در چنین تفکری است و این همان چیزی است که برای آنان که چشم طمع به ذخایر غنی نفتی و ظرفیت‌های انسانی نیجریه و حتی کل آفریقا دوخته‌اند نمی‌تواند خوشایند باشد.

به درستی تبیین شده و به ورطه عمل آورده شود به شدت تاثیرگذار بوده و در قلوب نفوذ می‌کند و حتی به رغم هزینه‌های آن، از جانب هوادارانش نه تنها تعطیل‌پذیر نیست که پویاتر نیز میشود.

از نگاهی می‌توان ارتباط شیخ ابراهیم و انقلاب اسلامی ایران را رابطه‌ای دو وجهی دانست که از یک سو پیروزی انقلاب اسلامی ایران قوی‌ترین محرک برای شیخ در طی مسیرش بوده و از دیگر سو توجه به تبعات این انقلاب در ابعاد مختلف آن اراده و عزم دشمنان تفکر ناب انقلابی را برای جلوگیری از ایجاد نمونه‌هایی با رنگ و بوی انقلاب امام خمینی در سایر نقاط جهان از جمله در آفریقا و نیجریه دو چندان نموده است.

لذا فارغ از وظایف دینی و انسانی برای حمایت از مظلومان، پس به جاست که در آستانه چهل و سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی که علاوه بر موسم خاص شکرگزاری و جشن، موعد حسابرسی نیز هست، مسئولین سیاست خارجی در جمهوری اسلامی از خود پرسند که در مسئله شیخ زکراکی تا چه میزان به وظیفه ای که قانون اساسی در «حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان» بر عهده‌شان نهاده عمل کرده اند و باتوجه به ضرورت رعایت اصول قانون اساسی و به طور خاص فصل دهم آن جمهوری اسلامی و خاصه دستگاه دیپلماسی کشور برای دفاع از گفتمان و آرمان‌های امام خمینی در خارج از مرزها، پویایی را جایگزین انفعال و حتی گاهی حرکات ضد ارزش کنونی نمایند و با توجه به وضعیت جسمانی نامساعد شیخ زکراکی و همسرش با قید فوریت به مسئله ورود کنند. چرا که علاوه بر اهمیت وافر زنده ماندن نهضت اسلامی نیجریه، حفظ شیخ به عنوان شخصیتی تقریبی، صلح طلب، متمایز و کاریزماتیک که حقی بزرگ بر امت اسلام دارند تکلیفی غیرقابل‌انکار است.

سخن آخر آنکه شیخ و پیروانش راهشان را یافته و با قدرت به پیش می‌روند و گرچه جسم ابراهیم آفریقا هم‌اکنون در بند است اما افکار و تعلیماتش که آموزه‌های اسلام راستین و از جنس آموزه‌های مکتب امام خمینی است در عمق جان آزادی‌خواهان نفوذ کرده و جاری است و اعضای حرکت اسلامی نیجریه بی‌وقفه آزادی شیخ زکراکی و قدس را توامان فریاد می‌زنند و بیش از هر کس امت و دولت‌های اسلامی هستند که در معرض آزمونی بزرگ قرار گرفته اند

قرار داده است؛ فلذا در وضعیتی که گروه‌هایی چون بوکوحرام با تفاسیر و عملکرد خود جامعه را با چالش مواجه و وجهی دیانت را تخریب می‌کنند، حضور نهضت اسلامی برای جامعه‌ی جهانی به طور عام و برای نیجریه به صورت خاص فرصتی ثمربخش است؛ چرا که شیخ زکراکی با دغدغه پیاده سازی اسلام ناب همواره اهداف صلح‌طلبانه و تقریبی داشته که با تکفیر در تضاد است و ضربه‌ای که نیجریه از فقدان شیخ خواهد خورد به مراتب سنگین‌تر از ضربه‌ای است که این کشور از وجود گروه‌های تروریستی می‌بیند.

پس طبیعی‌ست که با توجه به این قربایت اهداف، حامیان و موسسان داعش و گروه‌های تکفیری، حامی در بندبودن شیخ نباشند. نتیجه تضاد آنان با تفکر شیخ، این است که در هر جایی که حرکت‌های شیخ و امثال آن را ببینند ورود می‌کنند تا ضربه‌ای وارد آورند و آنانی که نشان دادند با پدید آوردن داعش حرکت اجبابی می‌کنند، حرکات سرکوبگرانه و سلبی نیز خواهند داشت. اثبات مدعا آنکه شیخ در تماس تلفنی با فرزندش خبر از تأمین هزینه حمله به زاریا و کمک مالی به ارتش نیجریه توسط عربستان سعودی و بنا به دستور آمریکا و انگلیس را داده‌است. این در حالی‌ست که متأسفانه در این سو با وجود ضرورت بازخوانی وقایع نیجریه و آنچه بر شیخ می‌گذرد، دولت‌ها و حتی ملت‌های اسلامی که گاه کوچکترین حوادث را در کشورهای غربی محکوم و با آنان ابراز همدردی می‌کنند این حداقل را در مورد حمله‌های پیاپی ارتش نیجریه به محل‌های حضور اعضای حرکت اسلامی دریغ کرده و با عادی می‌انگارند که در صورت تداوم، عوارضش می‌تواند دامن‌گیر کل جامعه جهانی شود.

در این میان توقعات از جمهوری اسلامی بیش از دیگران است؛ ملت و مسئولان در جمهوری اسلامی که الگوی حرکت شیخ زکراکی بوده اند امروز لازم است به او به مثابه مدرسی بنگرند که نشان داد اگر گاهی دلزدگی در داخل صورت می‌گیرد به سبب فاصله گرفتن از گفتمان ناب انقلابی و اسلامی است، چرا که آنچه انقلاب اسلامی به ما آموخت نه تنها برای شیعه که برای همه‌ی آزادی‌خواهان الگویی ثمربخش است که باید از آن پاسداری شود. قدرت جذب این الگو به حدی است که جمعیت شیعیان نیجریه را از حدود صد نفر در سال ۱۹۷۹، به بیش از بیست میلیون نفر رسانده‌است که نشانگر جذابیت اسلام ناب و گفتمان انقلابی است که اگر

پس از چهل سال

سریع‌ترین نرخ رشد علمی جهان مربوط به ایران است که ۱۱ برابر نرخ رشد میانگین جهانی است. این رشد علمی در حوزه های نوظهور علمی بیشتر به چشم می خورد. برای مثال در زمینه سلول های بنیادی ایران به یکی از مراجع درمانی بیماری های صعب العلاج تبدیل شده و پس از آمریکا و ژاپن، ایران سومین کشور استخراج کننده سلول های بنیادی از پالپ (مغز) دندان های شیری است. علاوه بر کاربرد این علم، رتبه ایران در تولید علم سلول های بنیادی نیز چهاردهم جهان و اول منطقه است. / زهراکشاورز، کارشناسی مهندسی برق

صفحات بسیج دانشجویی در فضای مجازی



@basijut_ir



@sepidar.ut